

مضامین و مفاهیم نگاره های گیاهی در تخت جمشید

مرجانه نادری گرزالدینی

عضو هیئت علمی دانشکده الزهراء بابل، Naderi.marjan43@yahoo.com

چکیده

سنگ نگاره ها بخش مهمی از معماری تخت جمشید محسوب می شوند. این مجموعه با انواع آرایه ها ، مضامین و ارزش های بنیادین فرهنگ ایرانآراسته شده که در این میان جایگاه نقشمایه های گیاهی منحصر به فرد است. به طوری که این نقوش در بخش های مختلف بنا نظیر: پلکان ها ، تالارها و ...حضور وسیع و گسترده داشته، به تنهایی یا در ترکیب با سایر نقوش (انسانی و حیوانی) به کار رفته اند. در بین نقوش گیاهی از درختان، سرو و از گلهای گل نیلوفر آبی (لوتوس) و روزت (گل سرخ آذین) در نگاره های تخت جمشید مشاهده می شوند. حضور گسترده این نقوش را باید در باور کهن تقدیس گیاهان و احترام عمیق و فراوان ایرانیان به طبیعت جستجو کرد. بخش بزرگی از اسطوره های کهن ایران را نمادها و نظام های مفهومی و استعاره ای مربوط به گیاهان تشکیل می دهد. مقاله حاضر به تبیین ارتباط میان نگاره های گیاهی تخت جمشید و اسطوره های کهن ایران پرداخته و مفاهیم و مضامین نهفته در نمادهای به کار رفته را مورد بررسی قرار می دهد. روش تجزیه و تحلیل داده های این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات آن کتابخانه ای می باشد. نتایج حاکی از آن است که نگاره های گیاهی تخت جمشید با مضامین مذهبی و عقاید اسطوره ای ایران در ارتباط بوده و هنرمند ایرانی ادراک خویش را از حقیقت، جهان هستی، آفرینش و قدرت های طبیعت به واسطه رمز و نماد نشان داده، بدین ترتیب نمایشی محسوس از امر نا محسوس یعنی تبدیل مفاهیم به نماد از طریق به تجسم در آوردن تمثیل های عینی ارائه نموده است.

واژه های کلیدی: تخت جمشید، نقش برجسته، نگاره های گیاهی، اسطوره، نماد

1- مقدمه

تخت جمشید بازتابی از عالی ترین تجلیات روح هنر ایرانی و نمادی از فرهنگ و هنرمندی ایران می باشد. می توان گفت دستاورد هنر هخامنشی به لحاظ مفهوم، هدف، نقش و نگار و ... در تخت جمشید تجلی یافته است. این بنای عظیم علاوه بر آن که فرّ و شکوه درباری و قدرت شاهان هخامنشی را بیان می نمود، بر منصب آسمانی و مقام روحانی آن ها نیز تأکید می ورزید. در واقع تخت جمشید صورت زمینی از شهر مینوی اساطیری است؛ از این رو تمام نقش مایه ها و نمادهای موجود در بنا برماهیت نیایشی این مکان تأکید می کنند.

تاریخ زندگی بشر نشان می دهد، تمام باورها و ادیان از نماد گرایی استفاده کرده اند؛ زیرا انسان به شیوه نماد پردازی بهتر می تواند مفاهیمی را نشان دهد که به روش های دیگر قابل بیان و توصیف نمی باشند. پارسیان نیز عقاید دینی خود را که مشتق از تعالیم و آموزه های زرتشت بود؛ به شکل نمادین در آثار هنری خویش نشان داده اند. به طوری که منش نیک (بهمن) با گاو میش، نظام (اردیبهشت) با آتش و زندگی جاودانی (مرداد) با گیاهان نماد پردازی شده اند (افضل طوسی و حسن پور، 1391:143).

با تأمل در اعتقادات اساطیری ایران می توان نمو نه های متعددی از عناصر گیاهی نمادینی را مشاهده کرد که در مضمون و شکل خود گستره های بزرگ معنایی را در بر می گیرند. مطابق اسطوره های ایرانی، انسان دارای خاستگاه و اصلی گیاهی است. این باور را می توان در اسطوره "کیومرث" و رستن گیاه ریواس از نطفه او مشاهده نمود. گیاهان به دلیل برخورداری از مفاهیم ضمنی، حضور گسترده و چشمگیر در آثار هنری ایران داشته اند. در این میان به برخی از گیاهان توجه بیشتری معطوف شده که نمونه بارز آن را می توان در سنگ نگاره های تخت جمشید مشاهده نمود. این بنا از نخستین نمونه های بی نظیر کاربرد نقوش گیاهی در تزیین بنا و معماری است. نگاره های گیاهی به کار رفته در تخت جمشید شامل درخت سرو، گل نیلوفرآبی (لوتوس) و روزت (گل سرخ آذین) می باشند. با توجه به کاربرد وسیع این نقوش در نقش برجسته های تخت جمشید، نوشتار حاضر به ریشه یابی و کشف علل، عوامل و تفکری که منجر به استفاده از این نقوش گشته می پردازد.

1-1- اهداف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، معنا شناسی و کشف مضامین نهفته در نمادها و نگاره های گیاهی نقش برجسته های تخت جمشید می باشد.

1-2- روش پژوهش

روش تجزیه و تحلیل داده های این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و ابزار گرد آوری اطلاعات آن کتابخانه ای می باشد.

1-3- ضرورت پژوهش

نگاره های گیاهی موجود در تخت جمشید حامل ارزش ها و پیام هایی است که بر اساس باورها و اعتقادات اساطیری پارسیان صورت عینی یافته اند. بدیهی است شناخت ویژگی های این نقوش به عنوان بخش بزرگی از آرایه های تخت جمشید موجب آگاهی نسبت به ارزش های فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی جامعه آن دوران شده و پاسخگوی بسیاری از پرسش ها و ابهامات در زمینه انگیزه های کاربرد آن ها خواهد بود.

1-4- سئوالات پژوهش

- 1- چه رابطه ای میان اسطوره های کهن ایران و نگاره های گیاهی تخت جمشید وجود دارد؟
- 2- دلایل کاربرد نمادهای گیاهی در نقش برجسته های تخت جمشید چیست؟

1-5- فرضیه های پژوهش

- 1- همواره میان نگاره های گیاهی تخت جمشید و اسطوره های کهن ایران ارتباط اعتقادی بنیادینی وجود دارد.
- 2- به نظر می رسد احترام و قداست گیاهان در اندیشه های اعتقادی پارسیان و ارتباط آن با باورهای اساطیری، مهم ترین دلایل کاربرد نمادهای گیاهی در نقش برجسته های تخت جمشید است.

2- نگاهی اجمالی به تمدن و هنر هخامنشی

کوروش کبیر با غلبه بر پدر بزرگش استیگ، پادشاهی مادها را منقرض نمود. وی علاوه بر ماد بر سرزمین های تابعه آن نیز دست یافت و با به زیر فرمان در آوردن حکومت لیدی به بخش اعظم شبه جزیره آناتولی مسلط گردید (هژبری و دیگران، 1389:80). بدین ترتیب امپراتوری هخامنشی در سال 550 پیش از میلاد توسط کوروش بنیان نهاده شد. این امپراتوری در زمان داریوش بزرگ (522 الی 484 ق.م) هر چه بیشتر توسعه یافت و از دره سند در شبه قاره هند تا شمال یونان و مصر را شامل گردید (آژند، 1390:34). مدیریت هخامنشیان در امر کشورداری به گونه ای بود که در سایه آن امنیت و رفاه کلیه اقوام میسر گردیده بود. سیاست شاهان هخامنشی که بر مبنای احترام و ارزش گذاری برآیین های مذهبی و فرهنگ و هنر هر منطقه بود، موجب پیشرفت هنر و تمدن و اشاعه فرهنگ ایرانی در این دوران گردید. (احسانی، 1390:55). هخامنشیان که وارثان فرهنگ و تمدن اقوام پیشین فلات ایران وفاتحان حکومت ماد، بابل، آشور و ... بودند، در قواعد و اصول سبک های هنری از اقوام پیشین فلات ایران و سرزمین های تابعه تأثیر پذیرفتند. در واقع هنر هخامنشی آمیزه ای از تجربیات هنری این اقوام با ویژگی های خاص هنر پارسی است. می توان گفت با حمایت پادشاهان هخامنشی نوعی هنر رسمی و درباری شکل گرفت که ماهیت تبلیغی داشت و معرف قدرت این امپراتوری بزرگ بود.

3- تخت جمشید

تخت جمشید در سال های 520 الی 460 پیش از میلاد در زمان زمامداری داریوش و خشایارشا بنا گردید. این مجموعه ساختمانی در شهر مرو دشت (45 کیلومتری شهر شیراز) و در دامنه کوه رحمت واقع شده است. کاخ تخت جمشید بر روی صفا مرتفعی قرار گرفته ونحوه دسترسی به صفا و ورود به تالارهای آن از طریق پلکانی عظیم و دو جانبه که در جبهه غربی قرار گرفته صورت می پذیرد. مجموعه تخت جمشید از ساختمان های متعددی تشکیل شده است که عبارتند از: پلکان ورودی، دروازه ملل، کاخ آپادانا، تالار صد ستون، ورودی کاخ مرکزی، تچرای داریوش، هدیش خشایار، تالار شورا، خزانه شاهی و ساختمان های دیگر (پیرنیا، 1392:77). درحقیقت تخت جمشید پایتخت تشریفاتی هخامنشیان و مرکزی برای برگزاری آیین تاجگذاری و مراسم جشن نوروز بود. در این جشن نمایندگان ملل مختلف حضور می یافتند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می نمودند. می توان گفت سبک معماری و بیکر تراشی هخامنشی در تخت جمشید تجلی یافته، این سبک اقتدار سیاسی و عظمت امپراتوری هخامنشیان را به نمایش گذاشته است. بنا به اعتقاد آرتور پوپ «تخت جمشید نماد قدرت، شوکت و وحدت نظامی بود که بر رسالت اخلاقی و دینی خویش آگاهی داشت» (پوپ، 1370:30).

4- نقش برجسته های تخت جمشید

در معماری هخامنشی نقش برجسته همواره جزئی از بنا محسوب می گردید. ترکیب معماری و نقش برجسته در نهایت شکوه و زیبایی در تخت جمشید به ظهور رسیده است. نقوش برجسته تخت جمشید در هماهنگی و تناسب کامل با معماری بنا بوده و به گونه ای طراحی شده اند که در حین عبور دیده شوند. جنسن در کتاب "تاریخ هنر" می گوید: «نقش برجسته های تخت جمشید معمولا صحنه هایی را مجسم می سازند که در همان محل به وقوع می پیوست؛ مانند: صف آرای سپاهیان کاخ، پاسداری نگهبانان، بار یافتن آورندگان خراج ها و هدایا، حمل ظروف توسط خدمتکاران، ورود یا خروج پادشاه از اتاق ها و یا حضور یافتن درباریان به پیشگاهش» (جنسن، 1359:61). در وصف این نقوش می توان گفت پیکره ها حضوری آرام و باوقار در بستر سنگی خود داشته د ر آن ها احساس حضور در ساحتی مقدس مشاهده می گردد. به طور کلی

نقوش به کار رفته در تخت جمشید را می توان به سه دسته نقوش انسانی ، جانوری و گیاهی تقسیم نمود. قابل ذکر است با توجه به موضوع نوشتار حاضر تنها نقوش گیاهی مورد بررسی قرار می گیرد.

5- نقوش گیاهی

نقوش گیاهی در تخت جمشید عبارتند از: درخت سرو، گل نیلوفرآبی (لوتوس¹) و روزت² (گل سرخ آذین) در هنر هخامنشی این نقوش، کاربردی وسیع و گسترده داشته و به اشکال مختلف در مهم ترین بخش های بنا حضوری کامل یافته اند. به طوری که از هر فضایی برای نشان دادن درخت و یا شاخه ای گل استفاده شده است. در دستان بسیاری از پیکره ها شاخه ای گل به نشانه مهر، محبت و صلح و دوستی دیده می شود. در واقع تخت جمشید باغی سنگی و گلستانی از گل های سنگی بسیار زیبا است.

5-1- درخت سرو

اعتقاد پارسیان به اهورا مزدا - ایزد برتر- و سمبل گیاهی اش یعنی سرو، موجب ظهور این نگاره در بخش های مختلف تخت جمشید شده است. در صف های سربازان و مهمانان هر گروهی از گروه دیگر به وسیله درخت سرو مجزا می شوند. (شکل 1) همچنین در پلکان آپادانا صحنه جدال شیر و گاو دیده می شود، در حالی که اطراف این دو حیوان درختان سرو قرار گرفته اند.

5-2- گل نیلوفر آبی (لوتوس)

در دوره هخامنشی توجه زیادی به نقش مایه لوتوس شده است. در نقوش تخت جمشید این گل را در دست شاه، شاهزاده و صاحب منصبان می بینیم. عیسی بهنام در این باره چنین می نویسد: «در تخت جمشید نجیب زادگان پارسی که خواهان صلح، آرامش و دوستی بودند، هر یک گل نیلوفری در دست داشتند. این گل نمادی از خاندان پادشاهی و مظهر صلح و خیر خواهی است» (بهنام، 25:1350). در آیین شاهنشاهی هخامنشی، پادشاه هنگام جلوس رسمی بر تخت سلطنت شاخه ای از گل نیلوفر را در دست می گرفت. پارس ها و مادها یی که به حضور شاه می آمدند نیز هر یک چنین گلی در دست داشتند. در درگاه تالار اصلی بنای خشایار شاه، نقش برجسته ای از پادشاه و خدمه اش مشاهده می شود که عصای فرمانرواییش را در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ گرفته و به سوی تالار گام بر می دارد.

نقش برجسته خزانه، داریوش را بر تخت سلطنت نشان می دهد که یک عصا در دست راست و گل نیلوفری در دست چپ دارد. ولیعهد نیز نظیر این گل را در دست گرفته، مقابل پادشاه دو عود سوز است که بالای سرپوش آن با شکوفه گل نیلوفر تزیین شده است (کیانی، 18:1374). (شکل 2)



شکل 2- نقش برجسته خزانه

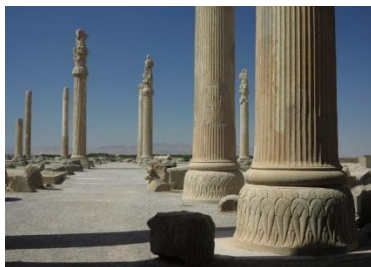


شکل 1- نمایندگان ملل مختلف

¹ -Lotus
² -Rosette

بر روی پلکان کاخ آیادانا نقش برجسته ای از صحنه نبرد شیر و گاو مشاهده می شود که در انتها به ردیفی از گل های نیلوفر ختم می شوند. (این نقش خاستگاهی در پدیده های کیهانی دارد و در آن مبارزه فصول به صورت نمادین نشان داده شده، نماد شیر(مظهر خورشید) در حال دریدن گاو نر (مظهر باران) است. به عبارتی دیگر، پیروزی شیر بر گاو بیانگر چیرگی بهار بر تابستان است.) (شکل 3)

ستون مهم ترین عنصر معماری هخامنشی است که از سه قسمت پایه، ساقه و سر ستون تشکیل شده است. پایه ستون ها معمولا به صورت ساده مکعبی و یا به شکل زنگوله ای (گلدانی) هستند که اغلب با غنچه های گل نیلوفر تزیین شده اند. (شکل 4)



شکل 4- پایه ستون، مزین به نیلوفر



شکل 3- پلکان شرقی آپادانا

3-5- روزت (گل سرخ آذین)

بیشترین نقش مایه ای که در تخت جمشید به کار رفته، گل دوازده پری است که به "روزت" معروف می باشد. برخی آن را گل آفتابگردان و برخی دیگر گل کوبک یا بابونه می دانند. از این نگاره برای پر کردن نوارها و حاشیه های نقوش اصلی استفاده شده است (موسوی، 1390: 250). این نقش مایه تقریبا در تمام تزیینات تخت جمشید مشاهده می شود نظیر: پلکان ها، ردیف میانی سربازان، مهمان ها، بر روی آجرهای لعاب دار و... (شکل 5)

یکی از نمونه های منحصر به فرد این نقش مربوط به آستانه در تالار آپادانا است که از سنگ های چهار گوش قطور تشکیل شده و با نگاره کاملا صیقلی از روزت زینت یافته است. (شکل 6)



شکل 6- سنگ سیاه و براق از آستانه در



شکل 5- حاشیه تزیینی با نقش روزت

6- مفاهیم نمادهای گیاهی

وابستگی حیات انسان به نباتات و گیاهان موجب شده تا آن ها در حوزه های مختلف زندگی انسان حضور یابند. بخش عمده ای از این حضور رادر روایات مردمی و بینش های مابعد الطبیعی مشاهده می کنیم. نباتات از کهن ترین ایام در باورهای انسان از ذات و جوهری روحانی برخوردار بوده و بر دین، آداب، سنن و فرهنگ مردمان تأثیری شگرف نهاده اند. در ادراک و تجربه کهن، گیاه به واسطه معنایی که متضمن آن بوده و بر آن دلالت می کرده جنبه تقدس یافته است.

درخت در تمام تصورات انسان از عالم هستی به صورت رکن و پایه هستی، ارتباط دهنده میان آسمان و زمین و تحت عنوان ستون گیتی یاد می شود که در کهن ترین تصویرش، درخت کیهانی غول پیکری است که رمز کیهان و آفرینش کیهان است (دوبوکور، 1376:9).

اندیشه اسطوره ای که مبتنی بر ساختار سه گانه کائنات است، به کمک نگاره درخت بیان می شود. درخت با ریشه های فرو رفته در خاک و تنه و شاخه هایش نماد سه قلمرو کیهانی، یعنی جهان سفلی (دوزخ)، جهان میانی (زمین) و جهان برین (بهشت) است. در اساطیر زرتشت نیز جهان به سه بخش تقسیم می شود: جهان برین یا جهان روشنی که جهان هرمزد است؛ جهان زیرین یا جهان تاریکی که جهان اهریمن است و فضای تهی میان این دو جهان که در ادبیات پهلوی بدان تهیگی یا گشادگی می گویند (بهار، 1377:39). درخت به موجب فرآیند رشدش از دانه ای کوچک به تنه ای تنومند و تداوم این حیات در چرخشی مدام، نماد جاودانگی می باشد (کوک، 1387:9). این چرخه حیات و ممات درخت نشانگر مرگ و رستاخیز و تجدید حیات است که یکی از آموزه های بنیادین ادیان و کتب مقدس است (مالرب، 1387:367). به تعبیر میرچا الیاده نیز درخت نمادی از جاودانگی است و از آن جا که زندگی بی مرگ همان حقیقت مطلق است؛ بنابر این درخت به نمادی برای آن حقیقت تبدیل می شود (الیاده، 1376:261).

نمادهای گیاهی در هنر ایران با پیشینه اعتقادی متنوعی حضور دارند که با توجه به موضوع مقاله حاضر به آن پرداخته می شود.

6-1- درخت سرو

درخت سرو در فرهنگ ایران جایگاه ویژه ای دارد و از هزاران سال پیش تا کنون مورد علاقه ایرانیان بوده است. گرمی داشت درخت سرو در فرهنگ ایران با گسترش آیین مهر در ایران کهن مرتبط است. در باور پیروان آیین مهر درخت سرو ویژه خورشید و زایش مهر است. درختی که همیشه سبز و با طراوت بوده، در برابر سردی و تاریکی پایداری می کند. از این رو سرو نماد مهر تابان و نشانه نامیرایی و حیات پس از مرگ است. بر روی یادمان های مربوط به میترا، هفت سرو دلالت بر هفت سیاره دارد که روح در سفر خود به آسمان از آن ها می گذرد (هال، 1380:293).

مطابق روایات ایرانی، زرتشت از جانب اهورا مزدا دو شاخه سرو از بهشت آورد و نیز روایت است زرتشت برای اول بار، بهمن امشاسپند را به صورت انسانی دید که به پیام آوری از سوی اورمزد نزد او آمده بود، بهمن شاخه سفیدی در دست داشت و آن شاخه "مینوی" دین بود. این شاخه را شاخه سرو دانسته اند (آموزگار و تفضلی، 1372:84).

در فرهنگ پارسی، سرو با صفاتی همچون: راستین، بلند، سر فراز، تازه، جوان و پایدار توصیف شده است. به نظر برخی انتساب صفت آزادگی به سرو یادگار ارتباط آن با "ناهید" است که در اساطیر و افسانه ها رمزی از آزادگی و آزادی به شمار می رود (یاحقی، 1391:461).

6-2- گل نیلوفر آبی

در اساطیر کهن ایران نیلوفر به واسطه پیوندش با دو عنصر مهم طبیعت (آب و خورشید) جنبه نمادین یافته است. از آنجا که نیلوفر با طلوع خورشید می شکفت و با غروب آن به خواب می رود، از دیر باز آن را مظهر خورشید دانسته اند که با "میترا" ارتباط می یابد و به سبب آن که با آب در ارتباط است، نماد "آناهیتا" - ایزد بانوی همه آب های روی زمین - نیز می باشد. در روایات کهن ایران، نیلوفر را جای نگه داری فرسوشیانس می دانستند. در صحنه زایش، مهر از غنچه گل نیلوفر بیرون می آید.

گل نیلوفر از نمادهای مهم آیین مهر به شمار می آید. هاشم رضی در این باره چنین می گوید: «ورود به جرگه مهری دینان با شرایط دشوار وسخت همراه بود و طی هفت مرحله سلوک انجام می گرفت. هر سالکی که از سه مقام می گذشت، نقش گل نیلوفر را بر بدن او خالکوبی می کردند و بدین ترتیب او در حلقه آگاهان برگشت ناپذیر ورود می یافت. همچنین در بعضی مهرابه ها پس از ورودی، سنگایی به شکل نیلوفر وجود داشت که صورت نمادینی از تعمیم را نشان می داد» (رضی، 1371:332-105).

نیلوفر مانند مظاهر فرّ، هم نماد قدرت بود وهم القای نیکبختی می کرد (سودآور، 1384:63). نیلوفر مصداق انسانی است که به وحدانیت رسیده و با خداوند یکی شده، خداوندی که از دیر باز در قالب تصویر نمادین خورشیدی متصور می شد که وجه تشابه فراوانی با نیلوفر داشته است (خلج امیر حسینی، 1387:18). نیلوفر یعنی شکفتن معنوی، زیرا ریشه هایش در لجن است و با این حال به سمت بالا و آسمان می روید، از آب های تیره خارج می شود و گل هایش زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می کنند (گراب ومیشل، 1379:154). نیلوفر نماد کمال زیبایی است؛ زیرا برگ ها، گلها ومیوه اش دایره ای شکل اند (ولف، 1372:348).

6-3- روزت

روزت، نماد سنتی خورشید و بازگو کننده نیروی حیات بخشی است. اینگل مانند چرخه ای که گاهی بدان شباهت دارد، در وهله اول، یک نماد خورشیدی بود و بدین ترتیب، آن را بر روی قرص بالدار می توان دید. این نقش، تجسم چندین خورشید- خدای خاور میانه است (هال، 1380:302).

7- نتیجه گیری

نگاره های گیاهی تخت جمشید، تجلی اعتقادات مردمی است که از نمادها وسمبل های فراوان برای اشاره به باورها و اندیشه های موجود در آیین شان بهره مند شده اند. این نگاره ها با مضامین مذهبی وعقاید اسطوره ای پارسیان در ارتباط بوده و بازتابی از تصور آن ها نسبت به جهان هستی، آفرینش و قدرت های طبیعت می باشد، به طوری که در هنر این دوره نوعی ارتباط با طبیعت و امر قدسی مشاهده می شود.

دلالت های اسطوره ای گیاهان آن ها را سرشار از معانی و مفاهیم ضمنی می کند؛ از این رو هنرمند پارسی که همواره زبان رمز وکنایه را برای بیان اهداف خویش برمی گزید، ادراک خود را از حقیقت به واسطه رمز و نماد نشان داده، بدین ترتیب نمایشی محسوس از امر نا محسوس یعنی تبدیل مفاهیم به نماد از طریق به تجسم درآوردن تمثیل های عینی ارائه نموده است. از آنجا که درخت سرو، گل نیلوفر و روزت در فرهنگ و اسطوره های ایرانی آکنده از انواع وجوه اشاری و مفاهیم تمثیلی می باشند؛ لذا جایگاه ویژه ای در هنر هخامنشی یافته اند. این توجه را می توان به خوبی از روی نقوش حجاری ها و سنگ نگاره های تخت جمشید دریافت.

نتایج حاصل از این پژوهش را می توان بدین شرح خلاصه نمود:

- بنای تخت جمشید به منزله کانون مذهبی و مکانی مقدس، حامل ارزش های بنیادین ملتی است که اعتقادات و نگرش های خود را با بیانی تمثیلی در قالب نقش مایه های گوناگون پدیدار نموده اند.
- احترام وتقديس گیاهان در فرهنگ ایران باستان موجب کاربرد نگاره های گیاهی در آثار هنری به ویژه در سنگ نگاره های تخت جمشید شده است.

- دقت نظر هنرمند پارسی به طبیعت پیرامون و اشتیاق وی برای ورود به عمق و معنای هستی در برخی از نقوش گیاهی از جمله: سرو، گل نیلوفر و روزت متبلور شده است.
- نگاره های گیاهی تخت جمشید علاوه بر دارا بودن مضامین اعتقادی و مذهبی از نظر فرم و شکل از کیفیت زیبا شناختی نیز برخوردار می باشند.
- هنرمندان هخامنشی به بهترین وجه نگاره های گیاهی را با اعتقادات و احساسات خود پیوند زده اند.
- نقوش گیاهی تخت جمشید با باورهای اسطوره ای دین زرتشت و آیین میترا مطابقت دارد.

مراجع

- احسانی، محمد تقی، (1390)، هفت هزار سال هنر فلز کاری ایران، تهران، علمی فرهنگی.
- آژند، یعقوب، (1390)، تاریخ هنر باستان، تهران، سمت.
- افضل طوسی، عفت السادات و مریم حسن پور، (1391)، نقش نمادهای آیینی و دینی در نشانه های بصری گرافیک معاصر ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی، 49، تهران.
- الیاده، میرچا، ترجمه جلال ستاری، (1376)، رساله در تاریخ ادیان، تهران، سروش.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، (1380)، اسطوره زندگی زرتشت، تهران، چشمه.
- بهار، مهرداد، (1377)، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه.
- بهنام، عیسی، (1350)، انعکاس روحيات ایرانیان در نقش های تخت جمشید، مجله هنر و مردم، 107-108، تهران.
- پوپ، آرتور، ترجمه غلامحسین صدری افشار، (1370)، معماری ایران، تهران، فرهنگان.
- پیرنیا، محمد کریم و غلامحسین معماریان، (1392)، سبک شناسی معماری ایرانی، تهران، ناشر مؤلف.
- جنسن، هب. دلبیو، ترجمه پرویز مرزبان، (1359)، تاریخ هنر، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- خلیج امیر حسینی، مرتضی، (1387)، رموز نهفته در هنر نگارگری، تهران، آبان.
- دوبوکور، مونیک، ترجمه جلال ستاری، (1376)، رمزهای زنده جان، تهران، مرکز.
- سودآور، ابوالعلاء، (1384)، فره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، تهران، نی.
- رضی، هاشم، (1371)، آیین مهر میترائیسم، تهران، بهجت.
- کوک، راجر، ترجمه سوسن سلیم زاده و هلینا مریم قائمی، (1387)، درخت زندگی، تهران، جیحون.
- کیانی، محمد یوسف، (1374)، پایتخت های ایران، تهران، میراث فرهنگی.
- گراب، ارنست و جورج میشل، ترجمه مهرداد وحدتی، (1379)، طراحی هنر اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مالرب، میشل، ترجمه مهران توکلی، (1387)، نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی، تهران، نی.
- موسوی، مهرزاد، (1390)، جستاری در پیشینه هنر هخامنشی، شیراز، رخسید.
- ولف، هانس ای، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، (1372)، صنایع دستی کهن ایران، تهران، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
- هال، جیمز، ترجمه رقیه بهزادی، (1380)، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، تهران، فرهنگ معاصر.
- هژبری نویری، علیرضا و دیگران، (1389)، تحلیلی در باره ویژگی های نقوش ظروف زرین و سیمین هخامنشی، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر، 6، تهران.
- یاحقی، جعفر، (1391)، فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.